

رجال دوره قاجاریه

ملك الكتاب عشرت فراهانی

(۱۱۸۲-۱۲۷۰.ق)

بقلم آقای جهانگیر قائم مقامی

ملك الكتاب عشرت فراهانی از خوشنویسان و شعرای عصر قاجاریه است که در عین حال از رجال و مصادر مهم امور دوره فتحعلیشاه نیز بوده . در باره احوالات او اطلاعات مبسوط و مفصلی در دست نیست فقط رضا قلیخان هدایت لله باشی در مجمع الفصحا ۱ و فاضل خان گروسی در انجمن خاقان ۲ مختصر ترجمه حالی از زندگانی ادبی او با نمونه‌ای از اشعار وی بدست داده‌اند و چون با اطلاعاتی که جسته جسته از بعضی کتابهای دیگر از قبیل ناسخ التواریخ و متمم روضة الصفاى ناصری و مقدمه رساله حالت و غیره در خصوص زندگی اداری او بدست می‌آید ترکیب شود ترجمه حال بالنسبه جامعی حاصل خواهد شد و ما آنرا ذیلاً از نظر خوانندگان محترم می‌گذرانیم :

میرزا محمد مهدی ملقب بملك الكتاب و متخلص بعشرت از مردم

اصل و نسب

فراهان عراق و از خاندان علم و ادبی است که فضلی نامی و

تولد

رجال برجسته‌ای مانند میرزا عیسی قائم مقام اول مشهور بمیرزا

بزرگ (متوفی در ذی القعدة ۱۲۳۷) وزیر شاهزاده عباس میرزا و پیشکار کل آذربایجان و

سیدالوزرا میرزا ابوالقاسم قائم مقام نانی (متوفی صفر ۱۲۵۱) صاحب منشآت و صدراعظم محمد

شاه قاجاریه و حاجی میرزا حسین و فاعم میرزا بزرگ که از شعرا و ادبا و فصحای

درجه اول بوده است و میرزا معصوم محیط پسر میرزا بزرگ که اشعار کتیبه مدرسه

خان مروی از اوست و مرحوم میرزا سید جعفر خان مشیرالدوله و میرزا صادق خان ادیب الممالک شاعر معروف متخلص بامیری که نواده میرزا معصوم محیط است و چند تن دیگر را سراغ داریم که همه از مفاخر تاریخ ادبی و سیاسی ایرانند.

تذکره نویسان و مؤلفینی که در تذکره‌ها و کتب خود ذکر می‌کنند او را از بنی اعمام قائم مقام مینویسند ولی نسب صریح او را ننوشته‌اند و تعجب در این است که مرحوم ادیب الممالک هم که خود از منسوبان وی و معاصر با حاجی میرزا محمد حسین ملک‌الکتاب متخلص بگلین پسر ملک‌الکتاب عشرت بوده در شرح حالی که برای گلین (محرّم ۱۲۶۴ - محرّم ۱۳۳۱ قمری) بعنوان مقدمه بر رساله‌ی حالت تألیف او نوشته ۱ پرده از روی این ابهام برداشته است ۲.

۱- رساله‌ی حالت طبع سال ۱۳۱۱ شمسی طهران - ملک‌الکتاب گلین علاوه بر رساله‌ی حالت تألیفات دیگری هم از قبیل رساله‌ی آداب السرور و سفرنامه‌ی حجاز دارد و در تألیف کتاب مطلع الشمس نیز شرکت داشته و او پدر آقای خان ملک‌ساسانی میباشد و رساله‌ی حالت را خطاب با آقای خان ملک نگاشته است.

۲- نسب مرحوم میرزا مهدی ملک‌الکتاب را بنا بر تقاضای آقای قائم مقامی و بخواهش ما دانشمند محترم آقای خان ملک‌ساسانی بقرار ذیل مرقوم داشته‌اند:

« میرزا مهدی ملک‌الکتاب پسر میرزا روح‌الله پسر میرزا اقدس پسر میرزا ابوالفتح ملقب و معروف بپیرمهردار شاه سلیمان صفوی است، وی پسر میرزا ابوالفتح مهر دار معاصر شاه عباس ثانی و او پسر میرزا ابوالغیر مهردار شاه صفی و نواده میرزا رضا مهردار شاه عباس کبیر است.

« از میرزا ابوالفتح سه پسر باقی ماند یکی میرزا عیسی دیگری میرزا اقدس سومی میرزا یحیی. میرزا عیسی دو پسر داشت یکی میرزا حسن پدر میرزا بزرگ قائم مقام اول دیگری حاجی میرزا حسین وفا وزیر کریم‌خان زند که دخترش عیسا - میرزا بزرگ و مادر میرزا ابوالقاسم قائم مقام ثانی بود.

« میرزا روح‌الله از وزرای زندیه که در موقع تصرف بصره در معیت نواب محمد صادقخان اعتضادالدوله زند بود پسر میرزا اقدس و جد میرزا مهدی ملک‌الکتاب است. میرزا مهدی بعلوه عمو زادگی داماد میرزا بزرگ قائم مقام نیز بوده.

« اشتباه رضاقلیخان هدایت و سر جان ملکم که میرزا بزرگ قائم مقام را پسر حاجی میرزا حسین و فنانوشته‌اند از اینجانشی شده که میرزا حسین او را فرزند خطاب میکرد، در صورتیکه او در حقیقت برادرزاده و داماد مرحوم وفا بوده است. » (یادگار)

تولد عشرت با حساب اینکه مرحوم ادیب الممالک عمر او را بتصریح ۸۸ سال و تاریخ وفاتش را سال ۱۲۷۰ قمری نوشته است بسال ۱۱۸۲ قمری خواهد شد .

ورود بخدمات در تواریخ دوره قاجاریه در باب اینکه ملک الکتان در چه دولتی و احراز مقام تاریخی بخدمت دولتی وارد شده و در چه زمانی بمنصب ملک الکتانی کتابی رسیده است هیچگونه تصریحی نیست . آقای خان ملک ساسانی شرح ذیل را بخواهش ما در این خصوص نگاشته اند :

«وقتی که میرزا بزرگ قائم مقام در سال ۱۲۱۹ بوزارت عباس میرزا نایب السلطنه تبریز رفت میرزا مهدی را بمصاهرت خویش مفتخر کرده با خود همراه برد .

«در سال ۱۲۲۵ بنا باستدعای میرزا بزرگ وزارت عباس میرزا بمیرزا حسن فرزند ارشد معظم له واگذار شد . در محرم ۱۲۲۶ که میرزا حسن در تبریز وفات یافت میرزا بزرگ فرزند دیگر خود میرزا ابوالقاسم را که در طهران نایب مناب او بود بوزارت نایب السلطنه خواست ، پس از تفویض این مقام بمیرزا ابوالقاسم و رفتن او بتبریز میرزا مهدی را میرزا بزرگ برای وکالت در امور عباس میرزا بطهران فرستاد و فتحعلیخان ملک الشعراء او را بحضور خاقانی معرفی نمود .

«در فرمانی که بخط معتمد الدوله نشاط بتاریخ جمادی الآخرة ۱۲۳۰ صادر شده نوشته است که : در هذه السنة میمونه تنگوزمیل شغل کتابت خاصه سرکار همایون را بعالیجه رفیع جایگاه سیادت و سعادت و کمالات اکتناه سلالة النجبانی میرزا مهدی فراهانی تفویض فرمودیم» .

در فرمانی دیگر که آن نیز بخط مرحوم نشاط در جمادی الاولی ۱۳۲۵ صادر شده و عکس آن در طی همین مقاله بچاپ رسیده چنین نوشته است : «میرزا مهدی را بمنصب جلیل ملک الکتانی سرکار کیتی مدار میباهی و در ازای خدمت مزبور مبلغ

۱- پس از مرگ میرزا بزرگ چون میرزا ابوالقاسم سمت قائم مقامی یافت وزارت عباس میرزا بمیرزا موسی پسر دیگر میرزا بزرگ رسید .

هزار و دویست تومان بصیغهٔ مواجب در وجه مشارالیه مقرر داشتیم که در تقدیم خدمات متعلقه بمنصب مزبور اقدام نماید».

از ۱۲۲۷ و کالت امور نایب السلطنه با میرزا مهدی ملک بوده است. بعد از فوت عباس میرزا که میرزا ابوالقاسم قائم مقام بهمدستی و همرازی میرزا مهدی ملک الکتاب محمد میرزا را ولیعهد کردند محمد میرزا تعلیقه‌ای را که عکس آن نیز در ضمن همین مقاله نقل شده بخط خود نوشته و در آنجا چنین مسطور است که: «میرزا مهدی ملک الکتاب مورد مرحمت شد و نظر بخدمات سابق او التفات فرمودیم و او از خالصین درگاه سرکار است. بجهت سرافرازی او این چند کلمه بخط سرکار مرقوم شد ۱۲۴۹». اما موضوع منشی الممالکی میرزا مهدی ملک الکتاب که مرحوم ادیب الممالک در مقدمهٔ کتاب حالت متعرض آن شده اینست که چون مرحوم معتمدالدوله نشاط مدتی قبل از وفاتش مجذوب گردیده بود در این مدت خدمات او بعهدهٔ میرزا مهدی محوّل بوده است.

قطعه‌ای را که بنقل عکس آن در اینجا مبادرت میشود مرحوم نشاط موقعیکه میرزا مهدی ملک الکتاب در اصفهان بوده از طهران باو نوشته است ۱.

ملک الکتاب تا آخر عمر نایب السلطنه و کیل امور او در دربار طهران و همواره ملتزم رکاب فتحعلیشاه بود و بمناسبت این مقام و شغل و نیز بسبب اینکه از منسوبان قائم مقام و مورد اعتماد او بوده قائم مقام کلیهٔ اموری را که میباید در دربار حل شود بوسیلهٔ او رتق و فتق می داد همچنانکه در قضیهٔ ولیعهدی محمد میرزا که تا قطعیت یافتن آن میباید از نظر دیگر شاهزادگان و امیرزادگان پوشیده می ماند فقط میرزا

۱- تا اینجا بود شرح نفیسی که آنرا بخواهش ما آقای خان ملک در باب تاریخ زندگانی مرحوم ملک الکتاب در خدمات دولتی نوشته اند و ما باذن فحوی آقای قائم مقامی آنرا در مقالهٔ ایشان گنجانیدم
(یادگار)

صادق وقایع نگار و ملک‌الکتاب دست درکار داشته‌اند و محرم قائم مقام بوده‌اند تا اینکه عاقبت هم بر اثر اقدامات قائم مقام و مساعی وقایع نگار و ملک‌الکتاب کار بر وفق مراد نتیجه بخشید و چون عباس میرزا در مشهد رضوی درگذشت قائم مقام کار جنگ هرات را تعطیل نمود و بطهران آمد و از درختی که بدست خود کاشته بود و وقایع نگار و ملک‌الکتاب آنرا آب داده بودند نمر مطلوب را چید و ولیعهدی محمد میرزا پسر عباس میرزا را مسلم نمود.

محمد میرزا پس از برگذار شدن جشن ولیعهدی خود به‌مراهی قائم مقام باذربایجان عزیمت نمود و ملک‌الکتاب همچنان در دربار طهران باقی ماند تا کماکان گوش و چشم و دست و پای قائم مقام باشد و بدین نظر باز همواره ملتزم رکاب فتحعلیشاه بوده است چنانکه در سال ۱۲۵۰ هـ که فتحعلیشاه در اصفهان درگذشت (۱۹ جمادی‌الآخره ۱۲۵۰ قمری) ملک‌الکتاب حضور داشته و دره‌خفی نمودن خیر فوت شاه سعی بسیار می نموده است.

چون فتحعلیشاه فوت شد وضع مرکزی ایران بهم خورد و هر يك از شاهزادگان در گوشه‌ای بداعیه سلطنت سر برداشتند، از آن میان علیشاه ظل‌السلطان بود که در طهران خود را پادشاه خواند و بنام عادلشاه بتخت سلطنت جلوس کرد و محمد میرزا

۱- این مطلب در يك مراسله خصوصی که قائم مقام در حیات عباس میرزا در همان ایام که نایب السلطنه مریض و بستری بوده است و از تراسان بوقایع نگار نوشته مشهود است.

قائم مقام مینویسد :

«... بنده باقتضای جین و احتیاطی که با لذات دارم بکنایه و رمز معتمد تا از سمایه و غمز محترز باشم یاخفی الالطاف نجنا ما نخدر و نضاف بجاه محمد وآله صلی الله علی محمد وآله (در اینجا چند سطر بخط رمز بوده) حسب الامر حضرت ولیعهد روحی فداه چند فقره بملك نوشته‌ام باید جوابش با صواب از شما برسد و طول نکشد که بسیار انتظار دارند. خدمتی مخصوص است که از بعد از فضل خدا از شما می‌خواهند.»

(منشآت قائم مقام (ص ۳۸ چاپ تبریز سال ۱۲۸۱ قمری).

۲- رجوع شود بناسخ التواریخ ص ۲۷۶

ولیعهد هم در تبریز بر تخت نشست و با قوایی بسوی طهران حرکت نمود.



سواد فودته مرحوم نشاط امیرزا محمد مهدی ملك الكتاب

ظل السلطان که خود را برای سلطنت ذیحقتر از محمد میرزا میدانست برای اینکه شاید بی درد سر و کشمکش بتواند تاج و تخت سلطنت را تصاحب کند بوسیله

ملك الكتاب پیغام فرستاد که بیهوده کار را بجنگ و ستیز نکشاند بهتر است که با مصالحه مملکت را تقسیم نمایند و محمد جعفر خان ۱ که صدر اعظم ظل السلطان شده بود نامه‌ای در این خصوص بخط خود بملك الكتاب نوشته که سواد آن چنین است:



سواد دستخط محمد شاه قاجار که بافتخار ملك الكتاب صادر شده

« سرکار ملك مبلغ یکهزار تومان بجهت اخراجات راه و خرجی خانه شما ارسال شد که صرف نموده فردا انشاء الله برود، تنخواه موجود است بهر کس میگوئید بدهند و مبلغ پنج هزار تومان هم بر ذمه من است که انشاء الله بعد از گذراندن امر مصالحه از سرکار اقدس گرفته بشما بدهم بغیر آنکه خود سرکار ایشان انعام مرحمت فرمایند و این در عوض این است که خون مسلمانان بدون سبب و

جهت ریخته نشود، همین نوشته نزد شما حجت باشد جواب را بخط خود بنویس که نوشته شما هم حجت باشد لاله الا الله الملك الحق المبین محمد جعفر .»

ولی ملك الكتاب که دل با محمد میرزا و قائم مقام یکی داشت اجرای این امر را بملاحظه گذرانید تا محمد میرزا بطهران نزدیک شد و کار بر ظل السلطان سخت

۱- این شخص را جهانگیر میرزا در کتاب تاریخ نو چنین معرفی مینماید: «محمد جعفر خان کاشی را که از عهد صبی تا ایام التعمه تربیت شده دست پرورده ظل السلطان و از همه رموز و غموض آگاهی داشت بمنصب وزارت دیوان اعلی برداشتنده».

گردید . در این موقع ظل السلطان می خواست که رکن الدوله علینقی میرزا و میرزاهوسی نایب را بعنوان نماینده نزد محمد میرزا بفرستد لیکن منصرف شد و باز ملك الكتاب را که پیش محمد میرزا قرب و منزلتی داشت در نظر گرفت و او را همراه



در حوم میرزا محمد مهدی ملك الكتاب

اسفندیارخان بیات قوللر آقاسی روانه نمود و او هم بناچار عازم شد اما وقت گذشته بود . محمد شاه بطهران ورود کرد و ظل السلطان با صدر اعظمش محمد جعفرخان بتدبیر محمد باقرخان بیگلربیگی در قصر خورشید محبوس گردیدند . ظل السلطان در یکی از همین روز ها که در قصر خورشید محبوس نوکار بر او و کسانش سخت

شده بود نامه‌ای بخط خود بملك الكتاب نوشته است که سواد آتراهم در اینجا نقل میکنیم ۱:

«ملکا چون ما و کسان ما قدری حساب با دیوان داریم ده فیلستان و رامین را اگر مشتری باشد از برای ما بتصدیق اهل خبره بفروش یا اگر مشتری خریدن نباشد گرو بگذار ما قبول داریم که کار ما بکنند. دست ما که بدر و بیرون نمیرسد این خدمت راتو بکن والسلام ظل السلطان.»

بعد از این تاریخ دیگر از احوالات ملك الكتاب اطلاعی نداریم، در تواریخ قاجاریه هم ذکری از او نیست فقط بنا بر قول مرحوم ادیب الممالک میدانیم چون قائم مقام نانی بدستور محمد شاه بقتل رسید و بتحریر حاسدان و دشمنان او کسان و خویشانش مورد آزار و شکنجه واقع شدند ملك الكتاب هم بزندان افتاد ولی پس از چندی از زندان فرار کرد و پیاده بقم رفت و در آنجا تحصن جست، عیال و اطفالش هم بخانه آقا میر محمد مهدی اصفهانی امام جمعه پناهنده شدند.

در تمام دوران سلطنت محمد شاه وضع زندگی عشرت در سختی و تحصن گذشت تا اینکه محمد شاه در شوال ۱۲۶۴ قمری وفات یافت و ناصرالدین میرزا ولیعهد او بجایش بر تخت نشست. در این موقع میرزا تقی خان امیر کبیر فرصت و قدرتی یافت که بیاس محبتها و خوبی های ولینعمت خود قائم مقام بدوران سختی و آوارگی های بازمندگان و کسان او خاتمه دهد. از آن میان ملك الكتاب را در سال ۱۲۶۵ قمری از قم طلبدیده مورد محبت و مهربانی قرار داد و اموال و باغات و خانه های طهران و املاک شمیرانش را از معاندان پس گرفت و بدو مسترد نمود. ولی این وضع چندین طول نکشید، و همینکه مورفای قیصران بقتل رسید (۱۲۶۸ قمری) باز کسان و عنسوبان قائم مقام مورد بی رحمتی شاه و شکنجه و آزار دشمنان قرار گرفتند. خانه و منزل

۱ - اهل این مکتوب و مکتوب قبلی در تصرف آقای خان ملك ساسانی است.

ملك الكتاب هم در همین موقع بار دیگر غارت شد. ملك الكتاب تا سال ۱۲۶۹ در دربار بود و پس از این تاریخ ۱ بطن خود رفت و در همانجا یعنی در قریه آهنگران فراهان در ذی الحجه ۱۲۷۰ در ۸۸ سالگی درگذشت و جنازه او را در شیخان قم بخاک سپردند و پس از او لقب ملك الكتابی بمیرزا محمد حسین پسرش رسید ۲.

معلومات	میرزا محمد مهدی	نقد و جستجوها	حساب کتب و ابروهای
تحصیلات مقدماتی خود		بزرگ همه نروان	بزرگ همه نروان
را در فراهان عراق و بروجرد فرا		زین جرحه در شیر	کتاب و جرحه در شیر
گرفته ۳ و با مایه ای بالنسبه کافی		است و در ندرت	کتاب که است
از عربیت و و ادبیت بطهران راه		عرب که است	زبان و شرح
یافته است و در این شهر بر اثر حشر		جایز است	است و در ندرت
و نشر با فضلا و دانشمندانی مثل		در شیر	در شیر
فتحعلی خان ملك الشعرا (متوفی بسال		بزرگ همه نروان	بزرگ همه نروان
۱۲۲۸) و میرزا صادق وقایع نگار		بزرگ همه نروان	بزرگ همه نروان
مروزی (متخلص بهما) و میرزا محمد		بزرگ همه نروان	بزرگ همه نروان
تقی علی آبادی متخلص بصاحب		بزرگ همه نروان	بزرگ همه نروان
(متوفی در سال ۱۲۵۶) و میرزا		بزرگ همه نروان	بزرگ همه نروان
عبد الوهاب معتمد الدوله متخلص		بزرگ همه نروان	بزرگ همه نروان
به نشاط (متوفی در سال ۱۲۴۴) و فاضل		بزرگ همه نروان	بزرگ همه نروان
خان گروسی متخلص بر اوی (متوفی		بزرگ همه نروان	بزرگ همه نروان
در سال ۱۲۵۹) و مهمتر از همه کار		بزرگ همه نروان	بزرگ همه نروان
کردن در زیر دست میرزا بزرگ			

نمونه ای از خط تحریر مرحوم ملك الكتاب

۱- درج ۳ منظم ناصری در شرح و قلیع سال ۱۲۶۹ نوشته شده : «ملك الكتاب ناعطای يك ثوب جبه تریه نایل و مفتخر گردید»
 ۲- مقدمه و سائله ای حالت : ۳- تذکره آتچمن خاقان نسخه خطی کتابخانه مجلس

قائم مقام نواقص خود را تکمیل نمود، وی در نوشتن انواع خط استاد بوده و بشیوه درویش عبدالمجید مینوخته است، کتابهای بسیاری بدستور و امر فتحعلیشاه و شاهزادگان بخط او نوشته شده و قدرت قلم او بقدری بوده که در ظرف هفت ساعت یک هزار بیت بخط بسیار نیکو می نوشته بدون آنکه سطری سیاه و صفحه ای کتیف کرده باشد ۱.

ملك الكتاب گاهی شعری هم می سروده و در شعر عشرت تخلص مینموده ۲ ولی دیوانی از او سراغ نداریم و اگر هم دیوانی داشته است شاید در غارت منزلش با قطعات خطوط استادان که جمع آوری می کرده از دست رفته باشد.

قریب ده بیت از اشعار او در دو تذکره مجمع الفصحا و انجمن خاقان ضبط است و ما بعنوان نمونه چند بیت از آنها را نقل میکنیم:

زلفی افکنده بدوش و لپی آکنده بنوش

مشک بیزاست و نمک ریز و جگرها همه ریش

تو خرامان و دل من ز قفای تو و من

از قفای دل و خلقی نگران از پس و پیش

بقدم قامت بهمانند تا قیامت

مؤذن بیند از آن قد و قامت

در میان من و محشوق نهان رازی هست

که نیازی ز من و گناه از او نازی هست

۱- فاضل خان گروسی در تذکره انجمن خاقان مینویسد:

«ای بسا روزگار که در حضور فقیر بکتابت هزار بیت شعر اقدام کرده بهفت ساعت وقت چنانکه نه سطری سیاه کند و نه صفحه تباہ با حسن خطوط و اسهل وجوه باتمام آورده» مؤلف مجمع الفصحا هم این مطلب را ذکر نموده است رجوع شود بصفحه ۳۴۵ ج ۲ از آن کتاب.

۲- تا آنجا که اطلاع داریم چند تن شاعر دیگر هم بوده اند که عشرت تخلص مینمودند مشهورترین ایشان یکی سراج الدین ابن مولوی عبدالقادر لکنهوی و عشرت لکنهوی و عشرت الله آبادی از شعرا هندوستانند رجوع شود (بصفحه ۴۵۴ تذکره روز روشن) دیگر میرزا شفیق عشرت فرزند ارشد و قار شیرازی.

بال بشکسته و پر بسته و دل خسته و باز

در گمانی که مرا قوت پروازی هست

•••

صد حلقه دام از زلف افکنده بهر سوئی با این همه صیادی مشکل که بدام آتی ۱

اگرچه از اشعار عشرت جز قلیلی در دست نیست اما از همین مقدار میتوان

بذوق سلیم و طبع روان و ورزیده او پی برد .

عشرت بمقتضای اینکه خود از اهل قلم و شعر در دانش بوده با

دانشمندان و شعرای معاصر خویش معاشرت بسیار داشته و غالباً

هم آنها را بتألیف و تصنیف ترغیب و تشویق می کرده . چنانکه

عبدالرزاق بیک مقنون دنبلی تاریخ جامع خاقانی را که در شرح مآثر و سلطنت

فتحعلیشاه است بر اثر تشویق و ترغیب او تألیف نموده است ۲ .

ملك الكتاب مردی ملایم و خوش طینت و صدیق ۳ همچنین بسیار ساده بوده و

قائم مقام در طی يك نامه که بمیرزا صادق وقایع نگار نوشته است بهترین وجهی

سادگی او را توصیف نموده میگوید ۴ : « اگر ملك مثل الف هیچ ندارد مخلصان دیگر

دارید که مانند شین هم نقطه دارند و هم دندان و هم مد و هم دایره » ۵ .

۱- این ابیات در مجمع الفصحاء بنام مرحوم عشرت ضبط شده است .

۲- عبدالرزاق بیک خود در دیباچه کتاب خود (ص ۴) مینویسد « یکی از یارانم

را که طرز بیانم پسند افتاد با من عتاب آغاز کرد و گفت چرا در آثار معدلت خداوند

خلافت کبری و سلطنت عظمی السلطان فتحعلیشاه کتابی ترتیب ندهی و منقبت و ستایش

حضرت او را ثنائی لایق نکومی » درخاتمه کتاب مینویسد : « بر حسب امر جناب مقرب-

الحضرة السلطان (کذا) میرزا مهدی فراهانی ملك الكتاب در يوم الاربعاء ۱۱ شهر صفر

المظفر سنة ۱۲۳۵ در دارالخلافة طهران اتمام پذیرفت » رجوع شود باصل کتاب نسخه

خطی کتابخانه ملی طهران یا بفهرست کتب خطی کتابخانه مزبور ص ۶۴

۳- قضیه واگذاری فروش ده فیلستان از طرف ظل السلطان بملك الكتاب با آنکه

ظل السلطان خود برای العین دیده بود ملك الكتاب دل با حریف او دارد خود دلیل

بزرگی بر این است که صداقت و راستکرداری او مورد تصدیق همه کس بوده است .

۴- ص ۱۱۲ منشآت چاپ تبریز ۱۲۸۱ قمری .

۵ - اصل کلیشه‌هایی که در این مقاله آمده متعلق با آقای خان ملك ساسانی است که از راه مرحمت آنها را با اختیار ما گذاشته اند .